



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۲۱۹

برای

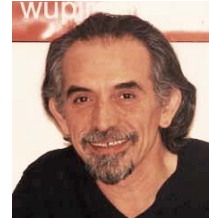
یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سرمدبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۷ سپتامبر ۲۰۱۱ - ۱۶ شهریور ۱۳۹۰

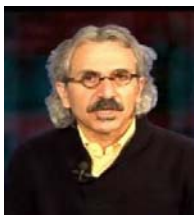
اطلاعیه پایانی کنفرانس کادرها و پنجم هشتم حزب اتحاد کمونیسم کارگری



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

التحریر اسرائیل، نتانیاهو رفتنی است!



ده سال پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر

صفحه ۳

علی جوادی

اعتصاب کارگران برق در ده فاز پارس جنوبی



از توبه نصح تا رازهای زندگی خامنه ای! نگاهی گذرا به مخملباف

صفحه ۶

مجید پستچی

گفتگوی کامران پایدار با یکی از کارگران کارخانه مزدا!

کارگران شرکت نفت و گاز ایتوک ایران

کارگران شرکت به پخش

کارگران شرکت تدارکاتی محارم

کارگران شرکت جنرال مکانیک!

کارگران کارخانه گل پسند قزوین

کارخانه نیک پارس قزوین

کارگران شرکت سرو مشرق زمین

شنبه گذشته تل آویو رکورد دار التحریر شد. تنها در تل آویو بیش از نیم میلیون نفر تظاهرات و اجتماع کردند تا خواست عدالت اجتماعی و رفتن دولت نتانیاهو را اعلام کنند. در میان سخنرانیها و شعارهای اجتماعات توده ای، چیگرایی و رفع تبعیض موج میزند. نسل جدید در اسرائیل نمیخواهد با نفرت و نژادپرستی ای که پایه و اساس این نظام را تشکیل داده خود را تداعی و معنی کند. علیه خاطره جنگ و بمباران و ترور و انتحار درست مانند جوانان غزه فریاد میزند و از عروج "اسرائیلی های جدید" حرف میزند. مردم صریحا علیه جنگ، نفرت قومی و مذهبی، تفرقه و ایجاد دشمنی مستمر، فقر و فلاکت و ناامنی و ترور حرف میزنند. آزادیخواهی و همزیستی و عدالت اجتماعی، رفاه و قدرت کارگری را، در مقابل سیستم ارزشی و قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم قرار میدهند. موشک پرانی حماس و بمبارانهای اخیر دولت اسرائیل که به کنسل شدن تظاهراتی که برای دو هفته پیش تدارک دیده شده بود منجر شد، بسرعت زبان نتانیاهو و شرکای میلیتاریست و ماشه بدستش را دراز کرد. اما این ماه عسل چند روزی طول نکشید. مردم آزادیخواه در اسرائیل با قدرتی وسیع تر بمیدان آمدند.

در پایه ای ترین سطح رویدادهای اسرائیل دلیلی جز واکنش کارگران و محرومان به پیامدهای بحران اقتصادی بر زندگیشان نیست. تصویر شکاف طبقاتی و بی مسکنی و فقر، اگر تا دیروز زیر سایه شوم و اینولوژی منحن ناسیونالیسم و مذهب و عرب ستیزی پنهان نگهداشته میشد، امروز بسیار

صفحه ۲

اعتصاب کارگران برق در ده فاز پارس جنوبی

بنا به خبر دریافتی، کارگران برق پالایشگاههای گاز ده فاز عسلویه در تاریخ هشتم شهریور ماه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در تداوم اعتراضات مکرر کارگران قسمتهای مختلف در فازهای ده گانه از جمله؛ اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاهها، وضعیت بد غذا و سرو آن، و همینطور وضعیت حقوقی و شرایط کار کارگران صورت گرفت.

کارگران برق پالایشگاههای ده فاز عسلویه طی مجمع عمومی خود در تاریخ ششم شهریور ماه تصمیم به اعتصاب گرفتند. این تصمیم کارگران در هشتم شهریور اجرا شد. کارگران طی اعتصاب با شعارهای مختلف از جمله "پترو پی حیا کن، کارگران را رها کن" و "پیمانکار انگل"، اعتراض خود را بیان داشتند. لازم به ذکر است که کارگران عسلویه که از جمله طرف قرارداد با شرکت پترو پی هستند، طی سال گذشته اعتراضات و اعتصابات پر شوری را پشت سر گذاشتند و خواهان الغای کار قراردادی، حذف شرکتهای پیمانی در انعقاد قرارداد، بهبود وضعیت خوابگاهها و سلف سرویس و غذاخوری، و افزایش دستمزدها مطابق با پیشنهادات مجمع عمومی کارگران بودند.

اعتراض و اعتصاب کارگران با توجه به فضا و جو پلیسی حاکم به پالایشگاههای پارس جنوبی در منطقه عسلویه که کارفرما در همکاری با حراست به کارگران تحمیل کرده است، تهدیدات مکرر اخراج کارگران معترض و اعتصابی، حرکتی متحدانه و قدرتمند بود. کارگران علیرغم این تمهیدات ارتجاعی و ضد کارگری با روحیه بالا و متحدانه وارد میدان شدند. این اعتماد بنفس و اتحاد سراسری و خواستن مطالبات برحق از سال گذشته در مجامع عمومی کارگران بروز و جنبه عملی پیدا کرده و علیرغم عقب نشینی های دوره ای کارفرماها و تلاش برای ترساندن کارگران هنوز با قدرت خود را در این اعتصاب بنمایش گذاشت. کارگران با اتکا به حرکت جمعی چاقوی تهدیدهای کارفرما مبنی بر اخراج کارگران را کند و بدرجه زیادی خنثی کرده اند. این تاکتیک با توجه به مجموعه عوامل بازدارنده، فعالیت حراستی ها و جاسوسی در میان کارگران، و گرو کشی هایی که کارفرماها و هر سرمایه دار تازه بدوران رسیده در آن استاد شده است، موفقیت خوبی برای کارگران محسوب میشود.

اعتصاب کارگران که مجموعه فعالیتهای پالایشگاهها را دچار اختلال جدی کرد نشان داد که کارفرما در مقابل اراده متحد و توده ای کارگران نمیتواند زیاد با حربه مانور و تهدید و اخراج مقابل خواست برحق کارگران بایستد. الگوی موفق دخالت توده ای کارگران طی مجامع عمومی و اعتراض جمعی باید همه جا به الگوی اعتراض کارگری تبدیل شود. زنده باد اعتصاب و اتحاد کارگران! زنده باد جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۱

التحریر اسرائیل، نتانياهو رفتنی است ...

عربان و روشن خود را به دنیا اعلام کرده است. وقتی التحریر در اسرائیل جان میگیرد، راست افراطی ضد عرب و میلیتاریست منزوی میشود. وقتی جوان "اسرائیلی" و "غزه ای" مانیفست شان جهانی و آزادیخواهانه است، بازار دکان هویتی مذهبی یهودی و اسلامی و دستگاه لغت و لیس خاخام و آخوند کساد میشود. وقتی فریاد ما برادریم و جنگ نداریم بلند میشود، حماس و حزب الله و احزاب و جریانات راست در اسرائیل حاشیه ای میشوند. مردم آزادیخواه اسرائیل حکم به رفتن شارونیست ها و راستهای افراطی و امثال نتانياهو داده اند. این راست نژاد پرست و جنگ طلب تنها میتواند در میدان جنگ سر پا بماند. اگر جنگ بدادش نرسد در این نبرد شکست میخورد.



هیئت حاکمه و دولت دست راستی اسرائیل خود را آماده بهره برداری و ایفای نقش در سقوط بشار اسد و تحکیم قدرت و سلطه منطقه ای خود میکرد. اما تداوم اعتراضات گسترده در شهرهای اسرائیل این افق را تا امروز بدرجه زیادی کور کرده است. اشتباه است اگر فکر کنیم جمهوری اسلامی در این میان میتواند صورتش را سرخ نگهدارد. سرنوشت نتانياهو و سیاست جنگ طلبانه و نفرت نژادی در اسرائیل، سرنوشت خامنه ای و کل حکومت اسلامی و پرچم آنتی سمیتیستی در ایران خواهد بود. کارگران و مردم آزادیخواه در کشورهای منطقه با سرعت حساب خودشان را از دولتها و دستگاههای مفتخوری دین و هویت های کاذب ملی و قومی جدا میکنند. یک شرط مهم پیروزی این جنبش اینست که از همین امروز اعلام تمایل برابری طلبانه و انترناسیونالیستی خود را به افق ایجاد یک خاورمیانه آزاد و مرفه سوسیالیستی گره بزنند. *

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر"
سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!



علی جوادی

ده سال پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر

تحولات ایران اسلام سیاسی در موقعیت قدرت قرار گرفت. به یکباره عظیم ترین منابع مالی و انسانی در کنترل و اختیار این جنبش ارتجاعی قرار گرفت. بدنبال این تحولات گسترش سهم خواهی از قدرت سیاسی در سطح خاورمیانه در محور تحولات سیاسی این جوامع قرار گرفت. ۱۱ سپتامبر به این جدال خصلت جهانی داد و مساله جدال بر سر قدرت سیاسی را حتی به اروپا و آمریکا کشاند.

در طرف دیگر، تروریسم دولتی برای مقابله با سهم خواهی تروریسم اسلامی نیازمند یک چهارچوب قابل پسند بودند. "جنگ علیه تروریسم" آن چهارچوبی بود که از توجیهات تحرک میلیتاریستی دوران گذشته متفاوت بود. در این چهارچوب کشمکش علیه قطب مقابل با معیارهای "شمال و جنوب"، "پیشرفته و عقب مانده" و یا با معیارهای "نژادی و ملی" تعریف نمیشد. هر نیرویی میتوانست در قطب تروریسم دولتی قرار گیرد. این جدال به سرعت پس از جدال دو اردوی شرق و غرب در دوران جنگ سرد به محور تخصصات جهانی تبدیل شد. غرب در دوران پس از جنگ سرد نیازمند یک چهارچوب ایدئولوژیک سیاسی برای تجدید تعریف سیمای جهان بود. افول موقعیت سیاسی و زوال اقتصادی آن در فردای جنگ سرد باید در اشکال دیگری جبران میشد. فاجعه ۱۱ سپتامبر بزرگترین امکانات را در اختیار این نیرو قرار داد. به یکباره فلسفه وجودی ماشین نظامی خود و متحدینش در ناتو معنا و تعریف دیگری یافت. مقابله

به یک سلسله آدمکشی هازد که هر گوشه و کناری را نا امن کرد. چه تعداد بمب و عملیات انفجاری عابری عادی را تکه تکه کرد! تاریخ این جنایت خونین را بعدا باید جمع آوری کرد.

در این دوره جنگ تروریستها به یک مولفه خونین و سیاه زندگی بشر معاصر تبدیل شد. تأثیرات این جدال عمیق و دیرپا هستند. این وضعیت بسیاری از کشمکشهای جاری را تحت الشعاع خود قرار داد و تغییرات جدی و تعیین کننده ای در صف بندی نیروها ایجاد کرد. هر چند که سوخت انفجاری این جدال بعضا تقلیل یافته است اما این جنگ کماکان ادامه دارد و اثرات مخرب آن هر روزه زندگیاها بسیاری را تباہ میکند.

اهداف جنگ*

یک رکن این جدال خونین تعاریف و توجیهاتی است که هر کدام از دو قطب تروریستی جهان از اهداف خود ارائه میدهند. گفته اند که جنگ ادامه سیاست است. اما کدام سیاست؟ این جنگ مانند تمام جنگها بر سر قدرت و سهم بری از قدرت سیاسی است. اسلام سیاسی به مثابه یک نیروی دست راستی در پس تحولات سیاسی در خاورمیانه و در پس شکست جنبشهای ناسیونالیستی و پرو غربی در این گوشه از جهان به قدرت سیاسی در ایران چنگ انداخت. غرب که پایگاه خود در ایران را در حال دست رفتن می دید به جک و جانوران اسلامی پر و بال داد. خصلت ضد کمونیستی و ضد آزادیخواهی این جریان کپک زده، آن ظرفیتی بود که غرب بدان نیاز داشت. جریانات اسلامی بر متن چنین شرایطی قدرت سیاسی در یک کشور مهم و تعیین کننده در منطقه را از آن خود کردند. با

آمریکا و اسرائیل و انگلستان و فرانسه و متحدین شان قرار گرفتند. تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی در مقابل هم صف آرایی کردند. این رویداد شروع یک جنگ جهانی بود. هیچ نقطه و منطقه ای از اثرات این جنگ خونین مصون و ایمن نبود. اگر چه ابعاد کشته شدگان با تعداد کشته شدگان جنگهای اول و دوم جهانی قابل مقایسه نیست، اما کل مشقات و مصائبی که بر زندگی هر روزه مردم تحمیل کرده است بهیچوجه از کل مصائب جنگ های اول و دوم جهانی کمتر نبوده است. این جنگ قربانیانش مردم عادی ای بودند که هیچ نقشی در قرار گرفتن در تیررس این جدال خونین نداشتند. همه جا صحنه جنگ بود، همه کس قربانیان این جنگ. جنگ در افغانستان، جنگ در عراق در عین حال گوشه های کلاسیک این جنگ بودند. در این مدت هر نوع عقبگردی را بر مردم تحمیل کردند. به بهانه جدال با تروریسم آزادیهای سیاسی و عملی شهروندان را در مهد جهان به اصطلاح متمدن مورد تعرض قرار دادند. هر گونه بازداشتی بدون اعلام حکم مجاز شمرده شد. شکنجه رسماً به یک امر عادی بمنظور اعتراف گیری در برخی از جوامع غربی از جمله آمریکا تبدیل شد. استراق سمع با یک حکم دو فوریتی در پارلمانهای دموکراسی به تصویب رسید و مجاز قلمداد شد. در پیشبرد این جنگ به افغانستان و عراق حمله کردند. رسماً عراق را دهها سال به عقب برگرداندند و بیش از یک میلیون کشته و زخمی بجا گذاشتند. در طرف دیگر تروریسم اسلامی دست

ده سال از آن فاجعه جانگداز میگذرد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تروریسم اسلامی یک فاجعه بی سابقه در زندگی بشریت معاصر را خلق کرد. جنایتی که زندگی همگان را در ابعاد چشمگیری سیاه کرد و منشاء عقبگردهای بسیاری در تاریخ معاصر شد. در آن روز چند هواپیمای مسافربری به مقصد نیویورک با تمامی انسانهای حاملش تبدیل به موشکها و بمبهای انفجاری شدند و دو برج بزرگ تجاری در نیویورک را هدف گرفتند. در یک لحظه چند صد تن از مسافری عادی و بیگناه سوختند و تبدیل به خاکستر شدند و برجهای مرکز تجاری در مقابل چشمان ناباور جهان فروریخت و بیش از سه هزار نفر جان خود را از دست دادند. اما دامنه مرگ و کشتار به آنچه در ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، محدود نماند.

۱۱ سپتامبر نقطه شروع یک سلسله جنایت در تاریخ دوران حاضر است. در این ده سال بر بشر معاصر چه گذشت؟ موقعیت جنگ تروریستها را چگونه باید تعریف کرد؟ جهان پس از این ده سال کجا ایستاده است؟ راه حل ما برای پایان دادن به وضعیت چیست؟

آغاز یک جنگ جهانی تروریستی

با فاجعه ۱۱ سپتامبر کلید یک جنگ خونین و جهانی جدید زده شد. نیروهای عظیمی در مقابل هم و در مقابل بشر معاصر صف آرای کردند. جنگی که سیمای جهان را تغییر داد. در یک سوی این جنگ جنبش ارتجاعی اسلامی سیاسی و نیروهای متعددی قرار گرفتند و در طرف دیگر بزرگترین ماشین نظامی و آدمکشی تاریخ یعنی میلیتاریسم

ده سال پس از

فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ...

تروریستی با تروریسم اسلامی در صدر دستور عمل این اردو قرار گرفت. اما اهداف اردو غرب بسیار فراتر از مقابله با سهم خواهی جنبش اسلام سیاسی بود. بر مبنای این تقابل سیمای جهان را رقم زدند.

جنگ تروریستها - جنگ مذاهب؟

جدالهای پایدار همواره دارای چهارچوبهای فکری و سیاسی و ایدئولوژیک خود هستند. چهارچوبهایی که تداوم کشمکش را موجه میکنند و آن را در اذهان "حقانیت" می بخشد. جنگ تروریستها نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این راستا علاوه بر توجیحات همیشگی ما شاهد تلاش برای قرار دادن دستگاه مذهب در محور این تخاصمات بوده ایم. دستگاه کلیسای مسیحیت از یک طرف و دستگاه مافیایی اسلام از طرف دیگر. برای جنبش اسلام سیاسی این تلاش و چهارچوب سیاسی امری داده شده و از پیش مفروض بود. اسلام سیاسی جنبشی مبتنی بر مذهب کثیف اسلام است. تلاش برای اسلامیزه کردن جوامع یکی از ارکان جنبش اسلام سیاسی در کنار هدف اصلی اش یعنی تصرف قدرت سیاسی است. اما در اردو مقابل مذهب از چنین جایگاهی برخوردار نبود. غرب یک دوره کوتاه کردن دست کلیسا و مذهب از دولت را پشت سر دارد. جدایی کلیسا و مذهب از دولت واقعیتی است که برخی نیروهای دست راستی برای کم کردن این فاصله تلاش بسیاری بخرج میدهند. این تلاش بطور ویژه خود را در دو شکل نشان میدهد: تلاش جریانات دست راستی، بخصوص در آمریکا، که میکوشند به بعد مذهبی سیاست و رفتار اجتماعی شان دامنه بیشتری ببخشند و از طرف دیگر تلاشی است که از جانب خود دستگاه کلیسای مسیحیت بطور آشکار و

پنهان صورت میگیرد. این تلاش را ما در دوران پایانی جنگ سرد بطور ویژه شاهد بودیم و نقش جان پاپ در پروژه مقابله با "امپراطوری شر" و سر به زمین کوبیدن و دعا در کنار ویلیام کیسی رئیس سابق سیا گوشه ای از این تقلا ارتجاعی است. در دوران اخیر نیز بطور ویژه ای شاهد این تلاش هستیم. انتخاب پاپ بندیکت که دارای سابقه فاشیستی و آنتی اسلامیستی است در عین حال گواهی بر این مدعاست. قرآن سوزی برخی از کشیشان مذهبی بخش دیگری از این تلاش عمومی است. حتی عملیات تروریستی اخیر در نروژ دارای چنین اهداف و زمینه هایی است. به همین اعتبار بی جهت نیست که به همراه تشدید جنگ تروریستها ما شاهد تشدید جدال میان نیروها و همچنین دستگاه کثیف مذاهب رسمی هم هستیم. دلایل و زمینه های این تلاش تماما مادی و زمینی اند. نیروهای پرچمدار هر اردو نیازمند مذهب برای توجیه این جدال و جنگ خونین هستند. دستگاه مافیایی کلیسا نیز برای مطرح بودن و رونق دادن به صنعت خود نیازمند حضور در جدالهای اصلی جامعه است. امروز کلیسای مسیحیت بقاء خود را مدیون موثر بودن بمتابزه ابزاری خفه کننده و توجیه کننده و زهر آلود در کنار ارکان اصلی طبقه حاکمه در اردو تروریسم دولتی است.

یک استنتاج سیاسی از این واقعیت این است که جدال بر علیه جنگ تروریستها نمیتواند و نباید محدود به جنبه نظامی و میلیتاریستی این تقابل گردد. اهداف سیاسی و ابزارهای متنوع سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی که بکار گرفته میشوند

باید تماما نقد و افشاء شوند. هر درجه همسویی با دستگاه مذهب و یا چهارچوبهای مذهبی و سیاسی یک طرف بر علیه طرف مقابل یک سیاست ارتجاعی و بازی در زمین یک اردو تروریستی است. **

موقعیت کنونی؟

این جنگ در طول دهسال گذشته دستخوش تغییر و تحولاتی چه در زمینه نظامی و چه در زمینه سیاسی و ایدئولوژیک شده است که جایگاه متفاوتی به آن در اذهان جامعه و همچنین در توازن قوای سیاسی در سطح جهان داده است. جنگ تروریستها که با حمله به طالبان آغاز شد و به سرعت به عراق کشیده شد، زمینه ها و عرصه های ویژه ای برای خودنمایی و قدرقدرتی میلیتاریسم آمریکا و متحدینش فراهم کرد. نوع جدیدی از "جنگ" شکل گرفت که کمتر به نیروی زمینی متکی بود. از آسمان، از ارتفاعی ۳۰ هزار پایی هر دوست و دشمنی و هر درجه مدنیت و ساختارهای یک جامعه را در هم کوبیدند. هزینه این میلیتاریسم را بر دوش بخشی از خود قربانیان این جدال خونین تحمیل کردند. هزینه نظامی جنگ عراق و افغانستان را مردم در آمریکا و اروپا در عین حال با از دست دادن درجه ای "رفاه" کسب شده و زدن جوانب معینی از بیمه درمان و بهداشت خود به اجبار می پردازند. هزینه این نمایش قدرت میلیتاریسم را با زدن سهم جامعه از رفاه تامین کردند.

این جنگها اکنون در فازهای آخر خود بسر میبرد. اگر چه به اهدافی دست پیدا کردند. طالبان سقوط کرد. صدام سقوط کرد. بن لادن کشته شد، اما اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی برنده جنگ در عراق بود. طالبان در افغانستان به بقای ارتجاعی خود ادامه داده و حتی بخشهایی از پاکستان را نیز به زیر سلطه خود در آورده است. تروریسم اسلامی کماکان یک نیروی جدی و مطرح در صحنه سیاست جهانی است. این نیرو در کشورهای اروپایی و آمریکای پر و بال خود را گسترانده است. در آنجا تغذیه میکند و بخشی از نیروی قربانیان

خود را از نیروی انسانی و جوان این جوامع تامین میکند. بر مصائب و شکافهای افزایش یافته جوانان این جامعه، که بعضا در حاشیه نیز قرار گرفته اند، دست میگذارند و سرمایه گذاری میکنند. بطور خلاصه، اگر چه از شدت و حدت ابعاد نظامی جنگ تروریستها کاسته شده است. اما جهان کماکان شاهد تاثیرات مخرب این جدال است. بخشا با آن زندگی و بخشا مقابله میکند.

در بعد سیاسی اهداف واقعی این جدال کاملا روشن اند. گرد و غبارها به کناری رفته اند. اهداف سیاسی هر دو اردو در نزد توده های مردم افشاء و بعضا خنثی شده است. معلوم شد که "جنگ علیه ترور" قرار نیست زندگی را برای احدی امن کند. معلوم شد که قرار نیست جامعه ای "آزاد" شود و مردم از شر نیروهای اسلامیستی و یا تروریستی و میلیتاریستی خلاص شوند. معلوم شد که تروریسم در جهان دو قطب دارد. تروریسم دولتی و اسلامی. و شاید باید تروریسم غیر دولتی را که هر روزه از گوشه ای سر بلند میکند به این دو نیروی اصلی نیز اضافه کرد. معلوم شد که راه پیشروی بشر امروزی نه در پیروزی یک قطب بر قطب مقابل بلکه در درهم شکستن کل این تقابل قرار دارد. و این پروسه مدتی است که آغاز شده است. وزنی که این جدال و تخاصم اکنون در کل جامعه بشری ایفا میکند به درجات زیادی با توجه به تحولات خیره کننده دوران اخیر و خیزش توده های مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین در اسرائیل کم شده است. دنیا دیگر فقط صحنه جدال دو نیروی تروریستی نیست. نیروی سومی در میدان است که چشمها و اذهان را به سوی خود خیره کرده است.

کدام پایان؟ کدام نیروها؟

چگونه میتوان نقطه پایانی بر این جدال خونین گذاشت؟ کدام نیروها میتوانند بازیگر پایان بخشیدن به این جدال باشند؟ به این جنگ چگونه

اردوی تروریسم دولتی در تقابل با دستگاه مذهب اردوی متخاصم است. اکس مسلم پروژه یک عده افراد اسلام زده بخت برگشته نبود که بر ابعاد و محتوای ضد انسانی و خرافی و ارتجاعی اسلام واقف شده و ظرفی برای عملی کردن این گرایش در اروپا ایجاد کرده اند. پروژه ای بود که به دست یک عده که دهها سال است مسلمان نبودند دادند. افرادی که اتفاقاً عمدتاً "کمونیست" بودند. کسانی که با به دست گرفتن این پروژه بجای اینکه منشأ آگاهی و نقد ضد اسلامی باشند، خود در درجه اول هویت "کمونیستی" خود را قربانی کردند و "اکس کمونیست" شدند. کارنامه عملی اکس مسلم دقیقاً چنین نقل و انتقال سیاسی را نشان میدهد. اما هدف سیاسی پروژه اکس مسلم را باید در راستای ایجاد ابزاری در مقابله با اردوی تروریسم اسلامی دید و ارزیابی کرد. *

ده سال پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ...

خود را در کنار اسلامبیستها پیدا میکنند، به این دو قطب تعلق دارند. اما در نهایت باید به فاکتور مهم و تعیین کننده دیگری اشاره کرد: تحولات اخیر در خاورمیانه و اسرائیل و اروپا.

میتوان پایان داد و زمینه های آن را برچید؟ در پاسخ به محورهای کلی باید اشاره کرد.

برای پایان بخشیدن به جنگ تروریستی باید سیاست میلیتاریستی دول غربی را در هم شکست. باید اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را در مراکز اصلی اش بزیر کشید. و بالاخره باید با فقر و فلاکت و محرومیت در جوامع بسیاری مقابله کرد. شکست میلیتاریسم اردوی تروریسم دولتی اساساً یک شکست سیاسی میتواند باشد. اعتراضات توده های بشریت متمدن در مقابل این میلیتاریسم اصلی ترین اهرم است. در طرف مقابل نیز پاسخ اساساً سیاسی است. مهمترین حلقه ها در این اردو مساله موجودیت رژیم اسلامی، مساله فلسطین و مساله فقر و محرومیت عظیم موجود در جوامع اسلام زده است. برای درهم شکستن ستون فقرات اردوی اسلام سیاسی باید رژیم اسلامی را به زیر کشید و سرنگون کرد. باید مساله فلسطین را بطور عادلانه حل کرد. تشکیل کشور مستقل فلسطینی با حقوق کامل "کشوری" یک رکن دیگر نابودی جنبش اسلام سیاسی است. اما تا زمانیکه مردم این منطقه محروم و فقیرند، جریانات اسلامی میتوانند بر این فقر و محرومیت سرمایه گاری کنند، اگر چه به درجات بسیار کمتر.

اما کدام نیروها میتوانند به این جدال خونین پایان دهد؟ این کار جنبش کمونیسم کارگری است. کار بشریت متمدن است. کار طبقه کارگر و مردم آزیخواه و برابری طلب است. کار نیروهایی است که کوچکترین منفعتی در هیچ کدام از دو سوی این تخاصم ندارند. به این اعتبار کلیه نیروهای ناسیونالیسم پرو غربی، کل جریانات ملی - اسلامی، کل جریانات "ضد امپریالیستی" که

اعتراضات چشمگیر توده های مردم زحمتکش در "جهان عرب" اگر چه مستقیماً در مقابل با دو قطب تروریستی نیست، اما توانسته است تأثیرات تعیین کننده ای بر این تخاصم بگذارد. این اعتراضات نه تنها منجر به حاشیه ای کردن این جدال خونین شده است، بلکه آلتزناتیو و راه عملی برای مقابله با این قدر قدرتی و فعال میثانی را نیز نشان داده است. وظیفه در هم شکستن و پایان بخشیدن به این تخاصم کار این بشریت متمدن است. کار ماست.

* منصور حکمت تنها کسی است که در ارزیابی از این جنگ اهداف واقعی و سیاستهای حاکم بر این دو اردو را به درستی تبیین کرد. سلسله مقالاتی که به دنبال فاجعه ۱۱ سپتامبر نگاشت در زمره مهمترین ارزیابی های سیاسی از قطب بندیهای سیاسی جهان پس از جنگ سرد است. مطالعه دقیق این اسناد را به خوانندگان نشریه عمیقاً توصیه میکنم. این مقالات در سایت حزب اتحاد کمونیسم کارگری و همچنین در سایتهای منصور حکمت قابل دسترسی اند.

** پروژه "اکس مسلم" در عین حال دارای چنین خصوصیتی است. اکس مسلم صرفاً یک پروژه برای ترک مذهب کثیف اسلام نبود و نیست. یک پروژه سیاسی

کارگران شرکت تدارکاتی محارم دزدی از دستمزدهای کارگران!

بنا به خبر دریافتی، در چند روز گذشته دستمزدهای مرداد ماه ۲۵ نفر از کارگران شرکت محارم پرداخت شد! دستمزدها پرداخت شد اما با کسر ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از هر نفر!

کارگران با مشاهده مبالغ ناچیز و ارزیابی به حسابشان بلافاصله با مراجعه به نجفی مدیر شرکت دست به اعتراض زدند اما نجفی با گستاخی و تهدید و لحنی طلبکارانه خطاب به کارگران گفته است: خوشحال و شکرگزار باشید که همین پولهای حداقل هم به حسابتان واریز شده است! این جانور دلال و سودجو پس از کلی به هم بافتن و زمینه چینی به کارگران گفته است در این اوضاع و احوال ناپسامان فعلی باید در انتظار روزهای بدتری هم باشید. نجفی علت کسر ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از دستمزد کارگران را ورشکستگی و بی پولی عنوان نموده است. اما بنا به اعلام تعدادی از کارگران نجفی دروغ میگوید و فقط در این جنگل بی قانون و توحش سرمایه داران و حکومت اسلامی هدفش سودجویی بیشتر و بالا کشیدن دستمزدهای کارگران است.

شرکت محارم با ۲۵ نفر کارگر با قراردادهای ۳ ماهه و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و ساعت کاری از ۸ صبح تا ۶ عصر، تهیه کننده مصالح ساختمانی در زمینه احداث انواع پروژه های ساختمانی و طرف قرارداد باندها و مراکز فاسد حکومت اسلامی است. نجفی و برخی از باندها و سرکردگان جانی حکومت اسلامی با جعل فاکتورهای خرید و زد و بند مالی و اختلاس و رشوه، ماهیانه میلیاردها تومان پولهای باد آورده به جیب میزنند با اینحال دستمزدهای ناچیز کارگران همیشه مشمول تعویق و کسورات است! دفتر شرکت محارم در خیابان میر داماد تهران در میدان کتابی واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۱





بازگو میشود که نتیجه را بفهمیم؛ نتیجه این است: آقا می خواهد مجتبی را بعنوان نایب بر حق خود اعلام کند و اینجاست که محسن مخملباف دارد نقش خود را بار دیگر بازی میکند و در فیلم به صداقت امامش خمینی اشاره میشود که او میگفته: "بعد از مرگ من نکند احمد را جایگزین من کنید" حتی مخملباف به این اندازه هم بسنده نمیکند ادامه میدهد: "خمینی میگفت هر کس را میتوانید جانشین کنید الا احمد" چرا؟ چون "خدائی ناکرده مردم احساس میکنند خمینی هم مثل شاه پسرش را جانشین خودش قرار داده."

در این قسمت فیلم مخملباف دارد همان کاری را که در فیلمهای ساخته شده اش در ایران و در زمان زنده بودن خمینی میکرد را ادامه میدهد. او می خواهد بگوید که مردم بدانند خمینی چقدر خوب بود و حکومتش را به تاراج برده اند و او در خانه ای محقر در قم و جماران زندگی میکرد که 300 متر هم نمیشده و پسرش را هم نایب خود نکرده! ولی خامنه ای پسر بده داستان است و این همه شقاوتها و دزدیهای که در فیلم گفته میشود فردی است و از سر قدرت طلبی و این چیزهاست و به اسلام ناب محمدی که خمینی نمونه و الگوی واقعی آن بوده ربطی ندارد.

در آخر:

آقای محسن مخملباف و تمام دست اندرکاران رفع بحران برای نگه داشتن اسلام و پرچمش در ایران و منطقه،

از توبه نصوح تا رازهای زندگی خامنه ای! نگاهی گذرا به مخملباف

مجید پستچی

بخود میگیرد، اصرار عجیبی دارد در دو شکل "بی طرف و نادم" و "آگاه" با هم جلوه کند و از همه مهمتر "مدنی" فیلم بسازد و بگوید یک فیلم ساز صادق است که تا آخرین لحظه که این فیلم را میساخته گویا نمیدانسته قیمت کلکسیون پیههای خامنه ای سر به فلک میکشد، و یا نمیدانسته که محافظین او در کاخش بیش از ده هزار است و یا نمیدانسته که او شیها به نوارهای استراق سمع شده توسط مسئولین اطلاعات گوش میدهد، و یا خبری از مسافرتها کلانش به این طرف و آنطرف نداشته و جالب تر از همه، این که رقم دارائی های وی و خانواده اش را بیش از 36 میلیارد تخمین میزند. او می پرسد این دارائی ها از کجا آمده و خودش آمار میدهد که معلوم میشود بیشتر این دارائی فضائی را از اموال مردم بدست آورده و یا نمیدانسته آقا به اسب سواری علاقه شدیدی دارد "که البته وظیفه هر مسلمان است که اسب سواری بدانند!" و تعداد اسبهای آقا بیش از هزار است و در هر سفری یک هواپیمای سی 130 اسبهای آقا و پسرش مجتبی را با خود میبرد تا آقا از این وظیفه شرعی بخاطر سفر وانجام وظیفه شرعی! خدائی نکرده عدول نکند که حتما گناهای بر گردن مردم است که وظیفه ای چنین سنگین بدوش این اولاد خلف خاندان محمد گذاشته اند!

در اواخر فیلم مخملباف دعوا را با زیرکی خاصی به سمت "مرگ آقا نزدیک است" میبرد:

او آمار میدهد که در زیر زمین خانه "محقر 3000 متری" آقا بیمارستانی دایر است با سه پزشک که دائما در حال آماده باش هستند و ادامه میدهد در سفرها هم این تیم مجرب بعلاوه تجهیزات کامل همیشه دنبال آقا در حرکتند. و اینها

خود را به حکومت اسلامی با مذهبی و رازگونه کردن مسائل واقعی اجتماعی خوب ایفا کرده است. حتی در زمینه فقر هم از احمدی نژاد خیلی جلوتر است. او بای سیکل ران را زمانی ساخت که محمود هنوز فقر را باغ مینوشت و توانست با احساس و نگاهی دیگر امامش را از بقیه، در فشارهای مالی به جامعه جدا کند و به بیننده بگوید "خودش (خمینی) خوب است اطرافیانمش مشکل دارند!" مخملباف هنوز هم به همین مسئله اصرار دارد! چرا؟ و اینکه چگونه؟

در آخرین کار مخملباف تحت عنوان "رازهای زندگی خامنه ای" دست بکار لو دادن داشته ها و کارهای خامنه ای میزند و بیننده را تحت تاثیر این همه شقاوت و بیرحمی خامنه ای نسبت به دانسته هایش از مسئولین قرار میدهد. او دارد باز هم همان رسالت تاریخی خود را انجام میدهد! اما اینبار در هیئت اپوزیسیون صادراتی! اما اینبار و در این نقش بیشتر دم خروس بیرون افتاده که در زیر به آن میپردازم.

در این فیلم او به چند زمینه مهم اشاره دارد که من می خواهم به آنها بپردازم زیرا لازم است نقش رانده شده ها از قدرت حکومت اسلامی اشتباه فرض نشود و باید دانست دعوی شغالها سر ترحم به مرغها نیست! علتش کمبود مرغ است که به همه نمیرسد!

در طول فیلم، مخملباف شکل یک بررسی وجدان مدارانه

چند روز پیش داشتم گشتی در اینترنت میزد. به عنوان "آخرین فیلم مخملباف" برخورد. این فیلم ساز را از دیرباز با پیدایش اسلام سیاسی میشناسیم. او بعنوان "پشتازترین" هنرمندان ایدئولوژیک حکومت اسلامی و بیشتر از همه با باور "هنر نقش تعیین کننده ای در باور مردم دارد"، پا به عرصه فیلم نامه نویسی گذاشت. همه او را بعنوان "یک فیلم ساز قابل" هم میشناسند و انصافا باید قبول کرد که مخملباف از بهترین "استعدادهای" است که صنعت فیلم در ایران به خود دیده! او با تلاش فراوان توانست بدون داشتن پیشینه ای عریض و طویل، البته در فضای ایجاد شده بعد از انقلاب، برای امثال خودش با داشتن امکانات دولتی رشدی خوب داشته باشد و در مدت کوتاهی بعنوان کارگردان مطرحی در همه جا شناخته شد، یا دقیقتر، معرفی شد.

محسن مخملباف پرونده دیدگاهی یکدست و یکنواختی از خود ارائه کرده و همیشه بعنوان فرزند خلف خمینی نقش خود را بخوبی ایفا کرده، خط به خط توانسته مسائل ایجاد شده در جامعه را خوب ببیند و توجیه شرعی پدیده های جدید را بخوبی در فیلم بازی دهد. یادمان نمی رود با آمدن داستانهای مذهبی بعد پیروزی انقلاب و شروع کردن پولهای اضافی بازاریها، او با ساختن "توبه نصوح" خیال بازاری های شریف! را راحت کرد و راه برون رفت از عذاب وجدان احتمالی! را به ناجیان اسلام سیاسی "بازاریان شریف" نشان داد.

مخملباف در هر دوره ای وظیفه

کارگران شرکت به پخش

اخراج از کار، دستمزدهای معوق!

بنا به خبر دریافتی، طی روزهای گذشته به دستور کارفرما 30 نفر از کارگران شرکت به پخش (توزیع کننده انواع محصولات کارخانه روغن نباتی لادن) از کار اخراج شده اند. بهانه کارفرما برای اخراج کارگران بحران و ورشکستگی و عدم توان مالی برای پرداخت دستمزدهای کارگران و ادامه کار است. علاوه بر اخراج کارگران عوامل کارفرما تا روز دوازدهم شهریور ماه از پرداخت دستمزدهای کارگران خودداری نموده اند. جواب کارفرما به کارگران اخراجی معترض و کارگران شاغلی که خواستار دریافت دستمزدهایشان هستند، تهدید به اخراج و بیکارسازی بیشتر و توسل به وعده های دروغ امروز و فرداست.

یکی از عوامل کارفرما به کارگران گفته است: فعلا منتظر دریافت دستمزدها نباشید، پولی در دست نداریم که به شماها بدهیم. تازه شما کارگران با این اوضاع و احوالی که هست باید خودتان را برای روزهای سخت تر اخراج و بیکاری آماده نمائید.

شرکت به پخش وابسته به کارخانه روغن نباتی لادن واقع در جاده قدیم کرج با بیش از 1000 کارگر قراردادی با قراردادهای 3 ماهه و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری به روش اردوگاههای کار اجباری از صبح تا شب بنا به نیاز کارفرما، مسئول پخش و توزیع انواع محصولات کارخانه روغن نباتی لادن است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۹۰ - ۵ سپتامبر ۲۰۱۱

از توبه نصوح تا رازهای زندگی خامنه ای!

دست به هر کاری میزنند تا بتوانند با عوض کردن چهره های منفور و لو رفته در بین مردم سایه خشم مردم را از روی اسلام و تمامیت ایدئولوژی جنایت بر علیه انسانیت برداشته و بسمت افراد کشانده و با این ترفند نخ نما زمانی برای کلاشی سیاسی اسلام و تیمهای مالیش بخرند. چیزی که مخملبافها به آن توجه ندارند باور از دست رفته مردم به کلیات نظام فاسد اسلامی است که میروند طومار همه شان را در هم بیچند و در آن روز مخملبافها هم باید پاسخگو باشند. اصلاحات اسلام و حقته آن به مردم و نسل نو دیگر با این پزها امکان ندارد. یادتان نرود دنیا، دنیای ارتباطات و اطلاعات با هم است و راه فهمیدن مثل گذشته از دالان مساجد به گوش مردم نمیرسد. بساطتان را جمع کنید! *

کارگران شرکت نفت و گاز ایتوک ایران

2 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 1500 نفر از کارگران شرکت نفت و گاز مستقر در پروژه های اصفهان، قم، تبریز و دارخوین خرمشهر تا امروز بعلت کار شکنی و سودجویی عوامل کارفرما دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به تیر و مرداد ماه را دریافت ننموده اند. کارگران معترض مصرانه دستمزدهایشان را میخواهند اما ترابی مدیر شرکت و همدستانش به طرق مختلف از پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران طفره میروند. ترابی که از نزدیکی و کارچاق کنهای آخوند جنایتکار رفسنجانی است، در جایی گفته است: دست هاشمی از قدرت کوتاه شده، دولت احمدی نژاد در طرحها و مناقصه ها و قراردادهای شرکت ما اخلال میکند، اوضاع اقتصادی جامعه و مملکت هم خیلی خراب است، به این دلایل ما فعلی پول و توانی برای پرداخت دستمزدهای کارگران نداریم.

یکی از کارگران پروژه نفت و گاز اصفهان میگفت: این بابا ترابی که دلش برای دوران سردار سازندگی (رفسنجانی) غنچ میروند چندان بیراه هم نمیگوید. همین شخص و اطرافیان در دوره رفسنجانی و در تبابی و همدستی با این آخوند مارمولک و جانی میلیاردها میلیارد به جیب زده اند، حالا اگر بعلت فساد مالی و دزدیهای همین جانوران ریز و درشت و از طرفی هم بعلت اختلافاتی که بین جناحهای هار و جنایت پیشه حکومتی سر باز کرده و این شکافهای علاج ناپذیر هر روز عمیق تر و چرکین تر هم میشود، این مزخرف گویی ها به ما کارگران چه ربطی دارد؟ حرف ما و خواسته های ما سر راست و روشن است. ما کارگران از صبح تا شب جان میکشیم، خواست ما دریافت دستمزدهای واقعیمان است. ما میخواهیم خانواده هایمان در رفاه و آرامش در خوشبختی و بهره مندی از امکانات مناسب زندگی باشند. اگر رفسنجانی و خامنه ای و احمدی نژاد و هر ارازل و اوباش دیگری با همدیگر هر اختلافی دارند، اگر همدیگر را گاز میگیرند و پاره میکنند به من و امثال من کارگر چه مربوط است؟ ما حق حیات و زندگی انسانیمان را میخواهیم و این حکومت اسلامی با همه باندهای رنگانگش 32 سال است که نه تنها دستمزدها بلکه همه زندگی و خواسته های ابتدائی ما را به غارت برده اند این حکومت با موسوی و کروبی اش، با خاتمی و خامنه ای و احمدی نژادش، با همه باندهای حرفه ای دزد و آدم کشش مسبب و بانی همه فقر و محرومیت و مشکلات زندگی ما کارگرانند. کل حکومت اسلامی سرمایه داران باید گورشان را کم کنند.

شرکت نفت و گاز ایتوک ایران با 1500 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 1 و 3 و 6 ماهه و یکساله و دستمزدهای 300 هزار تومانی مجری انواع طرحهای گاز، نفت، پتروشیمی و صنایع میباشد ساعت کاری کارگران از 6 صبح تا 8 الی 9 شب ادامه دارد. کارگران شرکت هم اکنون در سایتهای قم تبریز و اصفهان مستقرند، زندگی در کمپهای بدون امکانات غذایی و بهداشتی و رفاهی مناسب، دوری از خانواده و نگران خاطری از جهت فقر و گرسنگی خانواده ها، کار بسیار سنگین و طاقت فرسای شرایط نامناسب کاری و عدم پرداخت دستمزدهای ناچیز روحیه کارگران را به مرز انفجار و طغیان رسانده است. دفتر مرکزی شرکت ایتوک ایران در میدان ونک تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۹۰ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۱

شرایطی باید به قیمت محرومیت و نابودی ما و خانواده هایمان سنبل کاری شود تا امثال محسن رضایی به ثروت‌های افسانه ای برسند و تا این حکومت اسلام و خدا و امام زمان و آخوندهای بی شرف بر دوام باشد؟

گفتگوی کامران پایدار با یکی از کارگران کارخانه مزدا!

علاوه بر مسئله دستمزدها امنیت شغلی خیلی خیلی مهم است. با قرارداد موقت 3 ماهه همیشه احساس خطر می کنی. همیشه باید خیلی محتاط و مطیع باشی، هر بلایی بر سرت بیایند ناچار به تسلیمی، آگه اعتراض کنی فوراً درب کارخانه را به تو نشان میدهند. حالا اصلاً برایشان چه اهمیتی دارد که چقدر سابقه کار داری و در اینجا جان کنده ای، تا بجنبی فوراً حکم اخراجت را به روش صیغه خوانی آخوندها جاری نموده و تو و خانواده ات را بیش از پیش با بیکاری و گرسنگی دادن بیشتر زجرکش می کنند. اینجا از پادگان و اردوگاههای کار اجباری هیتلری هم بدتر است. حق تجمع، حق اعتراض، حق اعتصاب و... اینها هر کدام جنایتی بزرگ است. اگر کارگری حقش را بخواهد و حرفی بزند مرتکب این جنایتها شده و کارش تمامه. توسط جاسوسها و کنترل تولیدهای مخلص و چاکر شیخ السلام (مدیر کارخانه) فوراً سرش را زیر آب کرده و ترنیش را می دهند. علاوه بر اینها هم فشار کاری خیلی زیاد است.

کامران پایدار: چند وقت پیش کارگران ته خطی (قسمت اوکی) چند ساعتی کار را تعطیل نمودند و در محوطه کارخانه با برپایی مجمع عمومی خودش جوش مدیریت کارخانه را تهدید به اعتصاب و شکستن شیشه ها و ... نمودند. داستان چه بود؟ خواستهای اصلی کارگران در این اعتصاب هشدار و تجمع چه بود؟

کارگر مزدا: آره تجمع اعتراضی و اعتصاب هشدار 300 نفر از کارگران ته

مواردی مشخص و روشن هستند. یکی از خواستهای ابتدایی و مهم ما حذف کار پیمانکاریست. شرکت راد مردان صنعت زالوی انگل و مفتخوری است که ماهیانه بخشهای زیادی از دستمزدهای ما را بالا می کشد. هر طور که دلشان میخواهد و هر طور که برایشان سود آورتر است با ما حساب کتاب می کنند. همه چیز یکطرفه است همه چیز دست خودشان است. به این دستمزدهای چندرغازمان رحم نمی کنند. هر رقم که بخواهند از سر و دمش می زنند. دستمزدهای ما خیلی ضعیف است. الان با شرایطی که این حکومت اسلامی با حذف یارانه ها و سوبسیدها برایمان درست کرده بقول معروف نور علی نور شده! البته از روزی که این حکومت بوده گرانی و تورم هم بوده حالا دوزش را خیلی بیشتر بالا برده اند تا شاید جان همه مردم را بگیرند. گرانی که بود، دکترهای دزد و جنایتکاری امثال محسن رضایی و شیخ الاسلام ها و شرکت راد مردان صنعت دستمزدهای ما را با سگ خوری می دزدند و بالا می کشند. حالا با حذف سوبسیدها و یارانه ها هم حکومت برای چاپیدن سفره های خالی ما بیش از پیش دندان تیز کرده است. این دستمزدهای ما کارگران مگر چقدر است که صد رقم اوباش و عوامل حکومت در کمینش نشسته اند؟ یکی از خواسته های اصلی و مهم ما افزایش فوری دستمزدها برابر با هزینه های واقعی زندگیست. یک کیلو گوشت 20 هزار تومان، برنج کیلویی 4000 تومان، قبض آب و برق و گاز و تلفن و... یک خانواده 4 نفره بطور متوسط ماهی 200 هزار تومان میشود، برای اجاره دو اتاق بی امکانات در مناطق جنوبی و حواشی تهران حداقل باید 5 میلیون پیش و حداقل ماهی 400 هزار تومان کرایه بدهی. تازه اینها فقط چند قلم است. حالا خودتان حساب کنید با ماهی 400 هزار تومان چه زندگی ای، با چه امکاناتی و در چه

می پرسید اینجا دولتی است یا خصوصی، راستش من پس از سالها کار در اینجا هنوز معنی و مفهوم دولتی و خصوصی را نفهمیده ام. این حرفها دیگر معنی ندارد، دولت جمهوری اسلامی از چه کسانی، از چه جنایتکارانی تشکیل شده و سر پا ایستاده؟ مگر آقای محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران و شیخ الاسلام مدیر کارخانه و همه جک و جانورهای ریز و درشت دور و برشان از آسمان آمده اند؟ همه اینها سالهای سال آدم کشته اند، شکنجه کرده اند، بهترین انسانهای روشنفکر را سر به نیست کرده اند، دستهای کثیف و خون آلودشان به هزار و یک بی شرفی و جنایت آلوده است. حالا امثال محسن رضایی دکتر شده اند و سهامداران و مالکین محترم همین کارخانه مزدا هستند! همین جهنم، همین کارخانه مزدا که من و کارگرایی امثال من در اینجا بطور شبانه روزی جان می کنیم تا آخر سر سودهای میلیاردی باد آورده که از شیره جان و خون ما به دست آمده سرازیر شود، به جیب و حسابهای بانکی جنایتکاران و آدمکشان حرفه ای از جنس و تخم و ترکه دکتر محسن رضایی میرود که فعلاً دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام هم تشریف دارند!

کامران پایدار: در حال حاضر بیشترین مشکلات و خواسته های اصلی کارگران کارخانه مزدا چیست؟

کارگر مزدا: راستش را بخواهی اینجا همه اش مشکل و بدبختی است اما با اینحال خواسته های اصلی ما در

کامران پایدار: سلام و خسته نباشی. از همراهیتان در این گفتگو متشکرم. مایلم بحثمان را در مورد تصویر کلی کارخانه خودرو سازی مزدا شروع کنم. شرایط کمی و کیفی کارخانه چیست؟ چند نفر کارگر در این مرکز صنعتی مشغول به کارند؟ آیا کارخانه دولتی است یا خصوصی، شرایط کاری کارگران چگونه است؟

کارگر مزدا: من هم به نوبه خودم از اجرای این بحث ممنونم. کارخانه ماشین سازی مزدا در جاده قدیم کرج واقع است. خط تولید کارخانه مونتاژ انواع خودروهای سواری و وانت مزدا ژاپن است. تا قبل از مسئله محاصره اقتصادی روال کاری کارخانه خوب بود اما حالا بعلت تحریمها و محدودیتهایی که از جانب ژاپن اعمال میشود در بسیاری از موارد خطوط تولید به اشکال خورده. اخیراً مدیران و سهام داران کارخانه برای ادامه کاری خط تولید به ناچار اقدام به معامله با چین و ورود و تولید محصولات بی کیفیت نموده اند. در اینجا تقریباً حدود 2000 نفر کارگر مشغول به کارند. تقریباً بیش از 1700 نفر از کارگران قراردادی اند. تازه با خود کارخانه هم طرف قرارداد نیستند، شرکت پیمانکاری راد مردان صنعت که عمدتاً سردمداران و بانیاانش قبلاً پاسدار و کمیته چی بوده اند طرف قرارداد کارگران است. قراردادهای کارگران از 3 ماه تا 9 ماه است، حقوق ماهیانه هر کارگر 300 هزار تومان و با اضافه کاری و هزار بدبختی بطور متوسط شاید 400 هزار تومان. کار در اینجا 2 شیفته است اما کارگران قسمت رنگ کارشان 3 شیفته است.

گفتگوی کامران پایدار با یکی از کارگران کارخانه مزدا ...

خطی (قسمت اوکی) بسیار زیبا و شورانگیز بود. کارگران این بخش با تعطیلی کار با بیرون آمدن از سالن تولید و با برگزاری تجمع اعتراضی در اصل خواستهای همه ما کارگران را نمایندگی کردند. میدانی، در همچین و قتهایی انسان احساس شور و قدرت میکنند، در همچین و قتهایی انسان می فهمد دنیا آنقدرها هم کوچک و بسته نیست که یک مشت اوباش مفتخور بخاطر اهداف سودجویانه خودشان میخواهند به ما دیکته کنند. در همچین و قتهایی آدم می فهمد که اراده جمعی ما کارگران چه قدرتی دارد و سرمایه داران انگل و پادوهای ریز و درشت دور و برشان در برابر قدرت و اتحاد ما چقدر زبون و درمانده اند. متأسفانه با هزار شوگرد و نیرنگ و با سانسور و سرکوب شدید این اقدام اعتراضی کارگران ته خطی را قرنطینه کردند. نگذاشتند به سایر خطوط تولید سرایت کند. اما خواستهای اصلی کارگران معترض ته خطی همانها بود که اشاره کردم: حذف شرکت پیمانکاری رادمدان صنعت، افزایش واقعی دستمزدها مطابق با گرانی و تورم، حذف قراردادهای موقت، استخدام رسمی و برخورداری از امنیت شغلی، حق اعتصاب، حق اعتراض جمعی، حق حرف زدن و نفس کشیدن.

کارگر مزدا: بی تعارف، نه

کارگران ته خطی و نه هیچ یک از ما کارگران به خواسته ای نرسیدیم. این از این. اما اینکه چرا به خواستهایمان نرسیدیم و آیا اصلاً نفس اعتراض در این شرایط بهبوده است، بحث دیگریست. اعتراض و اعتصاب اخطاری ما به نتیجه نرسید. چرا؟ بخاطر اینکه قدرت سرمایه داران، قدرت باند شیخ الاسلام در این مقطع و در این مورد بیشتر از ما کارگران بود. از شما می پرسم تصور کنید به جای 300 نفر 2000 نفر اعتصاب میکردند و کار را میخواباندند، در این صورت

کامران پایدار: به دنبال اعتراض

کارگران ته خطی و زمزمه اعتصاب و اعتراض در دیگر بخشهای کارخانه ظاهراً شیخ الاسلام و شرکایش قدری عقب نشسته اند و مثلاً امتیازاتی به کارگران داده اند. موضوع چیست؟

کارگر مزدا: ببخشید، این بوی

کباب نیست، خر داغ میکنند! اعتراض ما علیه کار پیمانکاریست، علیه دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر است،

چه اتفاقی می افتاد؟ در این مورد قطعاً قدرت ما کارگران بیشتر میبود، کارخانه و کاخ پوشالی بیکارگان مفتخور به لرزه می افتاد و این حتماً میتوانست ما را به بخشهایی از خواسته هایمان برساند. من فکر میکنم کارگر تک نفر و متفرق هیچ قدرتی ندارد. قدرت ما در یکپارچگی و اتحادمان است. سیاست حکومت در این 32 سال گذشته همیشه این بوده تا کارگر را تنها و متفرق نگه دارد. سرکوب شوراها و سندیکاها و برپایی هرگونه تجمع و اعتراض و سرهم بندی مراکز جاسوسی و فساد از جنس خانه کارگر و شوراها اسلامی و... سیاست همیشگی سرمایه داران و حکومت بوده و هست. اما چه باید کرد؟ بنظرم کارگر آگاه از حق و حقوق خود، کارگر متحد و متشکل و سازمانیافته، کارگرانی که با اتحاد دستشان در دست همدیگر است، هم حرفی برای گفتن دارند و هم قدرتی برای اجرای حرفها و خواسته هایشان.

شهریور 1390

اخراج کارگران شرکت جنرال مکانیک!

بنا به خبر دریافتی، طی روزهای گذشته به دستور یاری مدیر شرکت جنرال مکانیک 20 نفر دیگر از کارگران شاغل در بخشهای مختلف این شرکت از کار اخراج شده اند. بحران و سقوط مالی شرکت جنرال مکانیک که عمدتاً ناشی از ورشکستگی و فساد مالی مدیران شرکت و باندهای حکومتی است همچنان ادامه دارد و در این رهگذر این کارگران و خانواده های محرومشان هستند که از قرار بر طبق قرار و موازین حکومت اسلامی بایستی تقاض ضرر و زیان سرمایه داران طفیلی را بپردازند. متأسفانه تا این لحظه تلاش و پیگیری های مداوم کارگران اخراجی برای بازگشت به کار و نقد شدن برخی دستمزدهای معوق نتیجه ن داده است.

یکی از کارگران اخراجی میگفت: این حکومت اسلامی و سرمایه داران آنچنان با هم عجین شده و در هم تنیده شده اند که به هر کجا به هر ارگان حکومتی برای شکایت و پیگیری حق و حقوقمان مراجعه میکنیم، مثل اینکه روح پر فتوح و با بذل و بخشش! سپار و شرکایش قبل از ما در آنجا حضور داشته و در زد و بند و تبنانی پنهانی همه درها را بر علیه ما بسته و همه چیز را ماستمالی کرده اند. این یعنی آخر عدالت و انصاف اسلام و سرمایه داران بر علیه ما کارگران!

شرکت راه و ساختمان جنرال مکانیک (غرب تهران) هم اکنون با بیش از 110 کارگر با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای به اصطلاح 330 هزار تومانی و ساعت و شیفت کاری فعلاً نامعلوم، در حال حاضر طرف قرارداد شهرداری تهران و مجری و سازنده انواع اتوبان و پلهای رو گذر در غرب تهران است. شرکت جنرال مکانیک تحت نظارت بنیاد مستضعفان حکومت اوباش اسلامی سرمایه داران بوده و یاری مدیر شرکت به همراه دیگر همدستان دزدش در روابط پنهانی و زد و بند و فساد مالی با شهرداری تهران و عوامل حکومتی در بنیاد مستضعفان، به بهای اسننمار وحشیانه کارگران، نپرداختن دستمزدها و اخراج کارگران ثروتهای نجومی به جیب می زنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۹۰ - ۵ سپتامبر ۲۰۱۱

کارگران کارخانه گل پسند قزوین

۲ ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، دستمزدهای تیر و مرداد ماه بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران کارخانه گل پسند واقع در شهر صنعتی کاسپین قزوین تا امروز پرداخت نشده است. کارگران معترض و به جان آمده که در چنبره فقر و گرانی و محرومیت سرسام آور که کارنامه حکومت جهل و جنایت اسلامی سرمایه داران است گرفتار شده اند. کارگران با صراحت خواهان افزایش و دریافت فوری دستمزدهایشان هستند. اما مظفری مدیر کارخانه و همدستانش هر روز با توسل به تهدید و نیرنگی کارگران گرسنه را از امروز به فردا حواله میدهند.

گرسنگی، فقر و تحقیر، محرومیت و بیکاری، سرگردانی و پریشان خاطری سایه شوم اش را بر زندگی ما کارگران گسترانده است. سرنوشت ما کارگران و خانواده های زجر کشیده مان زیر چنگال خونین لاشخورهایی از جنس حکومت اسلامی و سرمایه داران تباه شده است. سرگذشت تلخ و سیاهی که ثمره حاکمیت کثیف و ضد انسانی سرمایه داران و حکومتشان علیه ما خانواده های کارگری است. این اوضاع و احوال، این طوق بردگی و محرومیت، دیگر قابل تحمل نیست. باید کاری کرد! باید ما کارگران به قدرت تشکل و مجامع عمومی و شوراهایمان، به قدرت اتحاد و اعتصاب و مبارزه پیگیر و قاطع خود، بساط سرمایه داران و حکومتشان را یک بار برای همیشه برچینیم.

کارخانه گل پسند واقع در شهر صنعتی قزوین با بیش از ۱۲۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای ۳ ماهه و دستمزدهای معوق ۳۰۰ هزار تومانی و ساعت کاری از ۷ صبح تا ۸ شب، تولید کننده سس و برخی از انواع مواد غذایی میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۱

کارخانه نیک پارس قزوین

اخراج کارگران معترض، دستمزدهای معوق!

بنا به خبر دریافتی، در یکماه گذشته به دستور ضابطی مدیر کارخانه نیک پارس قزوین بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران از کار اخراج شده اند. عوامل نزدیک به ضابطی گفته اند تا ۳ ماه آینده بطور متوسط در هر ماه بایستی ۱۰ نفر از کارگران از کار اخراج شوند تا کارخانه به شرایط متعادل مالی برسد!

بعلت کارشکنی و دزدی ضابطی و شرکایش هم اکنون با گذشت دو هفته از پایان ماه هنوز خبری از پرداخت دستمزدها و مبالغ مربوط به اضافه کاری مرداد ماه کارگران نیست. در چند روز گذشته تعدادی از کارگران که علیه شرایط نامناسب و فرساینده کاری و علیه اخراجها و دستمزدهای معوق دست به اعتراض زده بودند، به دستور ضابطی بعنوان "عوامل اغتشاش و ایجاد بی نظمی و هرج و مرج در مسیر تولید" فوراً از کار اخراج شده اند. متأسفانه پیگیری و اعتراضات این کارگران اخراجی برای بازگشت به کار تا امروز به هیچ نتیجه ای نرسیده است. فاضلی در جایی گفته است: تنبیه و سرگذشت این کارگران پر رو و اخراجی باید درس خوبی برای دیگر کارگران باشد!

یکی از کارگران اخراجی میگفت: مگر ما چه گفته ایم و مرتکب چه جنایتی شده ایم؟ ما گفته ایم گرسنه ایم، ما گفته ایم دستمزدها و امنیت شغلی میخواهیم، ما گفته ایم از تحقیر و فشار بیش از حد کاری خسته شده ایم! فعلاً بیکار و سرگردان در بدر به دنبال کاری هستیم، از اول صبح با پریشانی و نگرانی به هر جایی برای یافتن کاری و لقمه نانی سر میزنیم. اما انگار این دنیای لعنتی علیه ما کارگران لعنت شده قیام کرده، همه درها برویمان بسته شده، با گذشت هر روز حلقه محاصره فقر و گرسنگی بیش از پیش ما و خانواده هایمان را می فشارد. نه خدا و نه قانون و نه هیچ سرمایه دار بی شرفی به فکر ما و خانواده هایمان نیست.

کارخانه نیک پارس واقع در شهرک صنعتی کاسپین قزوین فعلاً با بیش از ۴۰۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکطرفه و ۳ ماهه با دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و دو شیفت ۱۲ ساعته کاری، تولید کننده انواع پفک نمکی و چیپس است. لازم به یادآوری است بعلت نیت خیر! و خوش حساسی سرمایه داران عیدی پایان سال گذشته کارگران پس از ۶ ماه تاخیر آن هم به علت فشار و اعتراضات کارگران پرداخت شد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۱

کارگران شرکت

سرو مشرق زمین

دستمزدهای مرداد ماه چه شد!

هم اکنون با گذشت سیزده روز از پایان مرداد ماه و وعده وعیدهای دروغ امروز و فردا سیار مدیر شرکت خبری از پرداخت دستمزدهای کارگران نیست. سیار چهره منفور ضد کارگری که در ماه پیش به دنبال اخراج تعدادی از کارگران و مواجه با اعتراض و اتحاد کارگران شاغل مجبور به عقب نشینی و تسلیم در برابر خواست کارگران و پذیرش بازگشت به کار کارگران اخراجی و پرداخت فوری دستمزدهای عقب افتاده شده بود، حالا که اوضاع را مناسب و آرام دیده دوباره با توسل به حربه های تکراری و نخ نمای همیشگی سرمایه داران و حکومتشان از پرداخت دستمزدها طفره میروند و علیرغم پیگیریهای کارگران همچنان در برابر پرداخت دستمزدها مقاومت میکند.

راه یکی است: اتحاد و تشکل، مبارزه و اعتصاب! در این لحظات صف متحد و یکپارچه کارگران و تعطیلی کار و اعتصاب یگانه ابزار اصلی و نیرومندی است که قادر است موجودات بیرحم و سود جویی از جنس سیار را به تسلیم و عقب نشینی وا دارد.

شرکت پیمانکاری سرو مشرق زمین با بیش از ۲۶ نفر کارگر که در شرایط کاری نه قراردادی و نه روزمزد هستند، فقط به کارگران گفته اند ماهی ۳۰۰ هزار تومان به شما می پردازیم! که البته از پرداخت همین دستمزد هم پیشترانه طفره میروند، با ساعت کاری شبانه روزی در ایام تعطیل و غیر تعطیل طرف قرارداد شهرداری منطقه ۵ تهران و ارائه دهنده خدمات مربوط به پارکها و فضای سبز میباشد. این کارگران زحمتکش از شهروندان افغانستانی بوده که عمدتاً بعلت اقامت غیر قانونی در ایران و محرومیتها و مشکلات ناشی از اقامت غیر قانونی در شرایط معیشتی و کاری بسیار سختی بسر میبرند و محل زندگی جمعی آنها اتاقکهایی است که در مجاورت دستشویی پارکها در اختیار آنها گذاشته اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۹۰ - ۵ سپتامبر ۲۰۱۱

برابری و رفع تبعیض

برابری انسان ها یک مفهوم محوری در جنبش کمونیسم کارگری و یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که باید با برچیدن نظام طبقاتی، استثمارگر و پر تبعیض سرمایه داری برقرار گردد. برابری کمونیستی مفهومی بسیار وسیع تر و جهانشمول تر از برابری حقوقی و صوری افراد و شمول یکسان قوانین و مقررات دولتی بر آنان را در بر دارد. برابری کمونیستی یک برابری واقعی و مادی در قلمرو اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان انسان ها است. برابری نه فقط در حقوق سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از امکانات و مواهب مادی و محصولات تلاش جمعی بشر، برابری افراد در جایگاه اجتماعی و مناسبات اقتصادی، برابری نه فقط در محضر قوانین، بلکه در مناسبات مادی متقابل انسان ها با یکدیگر.

برابری کمونیستی، که در عین حال شرط لازم شکوفایی توانها و استعدادهای مختلف و متنوع همه افراد و شادابی مادی و معنوی جامعه است، تنها با از میان رفتن تقسیم انسان ها به طبقات امکان پذیر میشود. جامعه طبقاتی بنا به تعریف نمیتواند جامعه ای برابر و آزاد باشد.



The basis of capitalist society is this despicable fact that a large section of it, its majority, must in order to live in a world it has been born into sell its bodily and intellectual powers to a minority. It is a society where the production of people's essentials has been tied to the profitability of capital. And this is the root of all these inequalities and deprivations. Wage labour, division of society into worker and capitalist, into wage-earner and wage-giver, degradation of work from being a productive and creative activity to a 'job', to a way of earning a living, are in themselves verdicts of the bankruptcy of this system.

Workers of the World Unite!
Long Live Socialism!
Long Live Workers' International Solidarity!

www.wupiran.com
Worker-communism Unity Party - Iran

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی تجمع طبیعی و ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است!

نه به اعدام!

”آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاد سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟“

کارل مارکس

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کتاب کنترل کارگری را از سایت حزب دریافت و توزیع کنید!

اطلاعیه پایانی کنفرانس کادرها و پلنوم هشتم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

در روزهای جمعه و شنبه ۲ و ۳ سپتامبر ۲۰۱۱ برابر با ۱۱ و ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ کنفرانس کادرهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری در سوئد برگزار شد. کنفرانس با یک دقیقه سکوت در احترام به جانب‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و منصور حکمت و سرود انترناسیونال آغاز و بدنبال انتخاب هیئت رئیسه کنفرانس و تصویب دستور جلسه پیشنهادی وارد دستور شد.

کنفرانس با سخنرانی علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رضمانعلی و آذر ماجدی از اعضای هیئت داور حزب پیرامون مسائل مهم جهانی و اوضاع سیاسی در ایران آغاز شد. رفقای سخنران ضمن برشمردن مولفه های وضعیت کنونی، موقعیت جنبشهای سیاسی، شانس کمونیسم برای پیشروی، کمبودها و نیازها، ضرورت حزبیت و استحکام سازمانهای حزبی، بر وظایف حزب و جنبش کمونیستی کارگری تاکید کردند. در ادامه بحث مفصلی پیرامون مباحث طرح شده درگرفت و کادرهای حاضر در کنفرانس از زوایای مختلف به مسائل مورد اشاره و طرح نظرات خود پرداختند.

روز شنبه کنفرانس به بحث پیرامون بیانیه و قطعنامه پیشنهادی به کنفرانس آغاز شد. بیانیه "اوضاع جهان، اوضاع ایران" توسط علی جوادی معرفی شد و بدنبال بحثها و ملاحظات حاضرین کنفرانس به اتفاق آرا بیانیه را به تصویب رساند و مقرر کرد که دفتر سیاسی منتخب بعد از وارد کردن اصلاحات و نکات طرح شده آنرا منتشر کند. قطعنامه دیگر تحت عنوان "موقعیت جمهوری اسلامی و دورنمای اعتراضات توده ای" توسط سیاوش دانشور ارائه شد. کنفرانس بدنبال بحث پیرامون قطعنامه و طرح ملاحظات و پیشنهادات، با یک رای ممتنع قطعنامه را به تصویب رساند و انتشار آنرا بعد از اصلاحات وارد شده به دفتر سیاسی حزب سپرد. پایان بخش جلسه کنفرانس کادرها گردهمایی با شرکت تعدادی از دوستان و اعضای حزب بود. در این نشست بنا به خواست دوستان و مهمانان که جوایز نظر حزب راجع به اوضاع منطقه و شرایط ویژه کنونی ایران بودند، بمدت ۴۵ دقیقه جلسه ای برگزار شد. سخنران جلسه آذر ماجدی بود که طی بحثی روشن به تحلیل اوضاع جهانی و منطقه خارومیانه و شمال آفریقا و تاثیرات آن بر ایران پرداخت.

روز یکشنبه نشست کمیته مرکزی یا پلنوم حزب با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب برگزار شد. اولین دستور جلسه پلنوم سمینار "سازماندهی حزبی و توده ای در ایران" بود که توسط نسرين رضمانعلی ارائه شد و بحث گرمی پیرامون جوانب مختلف آن صورت گرفت. در ادامه مبحث سازماندهی حزبی و توده ای در خارج کشور توسط مریم کوشا ارائه شد و رفقای حاضر در جلسه به جوانب مختلف این بحث پرداختند. تاکید بر سازمان حزب و استحکام آن و جوانب عملی آن در هر دو سمینار از محورهای بحث بود. دستور بعدی بررسی سبک کار و چهارچوب فعالیت دفتر دفاع از حقوق پناهندگی حزب بود که توسط آذر ماجدی ارائه شد و بویژه رفقای درگیر در این عرصه و حاضرین پیرامون چهارچوب سیاسی و سبک کاری این نهاد به بحث و اظهار نظر پرداختند. دستور پایانی پلنوم حزب انتخابات دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب بود. پلنوم به اتفاق آرا علی جوادی را بعنوان دبیر کمیته مرکزی برگزید و رفقا؛ آذر ماجدی، نسرين رضمانعلی، سیاوش دانشور، مریم کوشا، جلیل بهروزی، سعید مدانلو، شهلا نوری، محمود احمدی، و مجید پستنچی را بعنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب کرد.

پلنوم با اختتامیه کوتاه علی جوادی و سرود انترناسیونال با موفقیت به کار خود پایان داد. در جلسه دفتر سیاسی بعد از پلنوم رفقا: علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور، نسرين رضمانعلی و محمود احمدی بعنوان اعضای هیئت داور دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۶ شهریور ۱۳۹۰ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۱

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!